

اشاره

چشم اندازهای نو یا امیدهای تازه‌ای یا به تعبیری دیگر، چه امکانات جدیدی را به تعلیم و تربیت دینی بخشیده است؟ در واقع، آیا فضای آموزشی را متوجه یک سلسله امکانات جدید در زمینه تعلیم و تربیت دینی کرده است؟

حالا ما با طرح این دو سؤال که دو جنبه از یک موضوع هستند و به گونه‌ای با هم تقابل دارند، مواجه هستیم. از دوستان می‌خواهم، ابتدا روی سؤال اول متمرکز بشوند.

حجة الاسلام دهدست: من از همکاران بزرگوارم تشکر می‌کنم؛ هم به خاطر این جلسه و هم به خاطر این که وارد میدان جدیدی شدند، برای عوض شدن حال و هوای کتاب‌های دینی و قرآن. چون وارد شدن در این میدان قدری سخت و مشکل بود.

اولین نکته‌ای که عرض می‌کنم این است که از مسلمات این است که هر تغییری با یک مقاومتی به طور طبیعی روبه‌روست؛ به خصوص که کتاب‌های قبلی ۱۵-۱۴ تدریس می‌شدند و مطالب آن‌ها برای دبیران جا افتاده و اغلب، آن‌ها را حفظ شده بودند، حتی با ذکر صفحه و سطر، مطالب را از حفظ می‌گفتند.

اما در مورد سؤالی که شما فرمودید، به نظر من دو نکته مهم در این جا باید ذکر شود. نکته اول در مورد چالش‌هاست. مقاومتی که در برابر این تغییر ما شاهد هستیم، ناشی از این است که همکاران ما با حال و هوای کتاب جدید دقیقاً آشنا نیستند و هدف‌های آن برایشان خوب جا نیفتاده است.

نکته بعدی این است که همکاران هنوز روش کار با این کتاب را به خوبی نمی‌دانند. یعنی وقتی تعدادی از همکاران را

تعلیم و تربیت دینی مقوله مهمی است با شاخه‌ها و مؤلفه‌های گوناگون. متون آموزشی، مؤلفان، خوانندگان، رویکردها و... اضلاع گوناگون و متعدد این مقوله را تشکیل می‌دهند. به بهانه تدوین کتاب درسی «دین و زندگی»، میزگردی با حضور آقای دکتر اعتصامی کارشناس مسؤول گروه دینی، حجة الاسلام دهدست، سرکار خانم تهرانی و سرکار خانم صلاحی از مدرسان کتاب دین و زندگی (۱) برگزار شده و در اطراف رویکرد جدیدی که در کتاب «دین و زندگی» اتخاذ شده و برخی مسائل دیگر، بحث و گفت‌وگویی صورت گرفته است. امید که مورد توجه شما خواننده گرامی قرار گیرد.

دکتر اعتصامی: ابتدا تشکر می‌کنم از حضور دوستان عزیز در این میزگرد که به مناسبت گذشت یک سال از اجرای کتاب «دین و زندگی (۱)» تشکیل شده و هدف ما در واقع، بررسی این یک سال است.

با توجه به اجرای سراسری و ابعاد آموزشی که در این زمینه وجود دارد، در واقع ما با دو سؤال مهم روبه‌رو هستیم که دانستن آن، هم برای دبیران و هم برای برنامه‌ریزان می‌تواند مؤثر باشد. ما از طریق مجله رشد آموزش معارف اسلامی می‌توانیم، انتقال دهنده این دو موضوع به دبیران و کارشناسان و برنامه‌ریزان باشیم.

یک سؤال اساسی و اصلی این است که آموزش کتاب جدید دین و زندگی با چه چالش‌ها و مشکلاتی در مرحله اجرایی روبه‌روست و یا چه چالش‌ها و مشکلاتی را ایجاد کرده است که قبلاً در آموزش دینی مطرح نبود. دوم این که کتاب جدید، چه

دینی تعلیم و تربیت میزگرد

اصلاً چه کار بکنیم؟ دستانمان را به قنوت بگیریم و مناجات بخوانیم؟ این نشان می‌دهد که بعضی از همکاران ما نتوانسته‌اند، مطلب را به طور دقیق به معلمان منتقل کنند. یعنی اصلاً ما در این درس به دنبال مناجات هستیم یا به دنبال صفات. در این درس ما می‌خواهیم بچه‌ها را به تفکر وادار کنیم؛ این را هنوز بعضی از همکاران ما نگرفته‌اند. می‌گویند ما مطلب را می‌خوانیم و توضیح هم می‌دهیم، بعد چه کار کنیم؟

این خیلی فاصله دارد با این که بگوییم، بچه‌ها بخوانید و ببینید که چند صفت می‌توانید از این درس دریاورید. این صفات را ستون‌بندی کنید. بگویید کدام سلبیه است کدام ثبوتیه. و بعد برای هر کدام یک توضیح یک خطی بنویسید. ببینید، اگر این طور عمل کنیم، کار وسعت پیدا می‌کند. ما نتوانسته‌ایم این وسعت را به همکارانمان منتقل کنیم. بدون تعارف، بعضی از همکاران ما این موضوع را نمی‌دانند و برایشان گفته نشده است.

نکته دوم این است که اندکی مقاومت، در بعضی از جاها به تقابل میان کتاب قدیم و جدید تبدیل می‌شود. یعنی هنوز همکاران ما توجه نشده‌اند که وارد کردن یک کتاب جدید در سیستم آموزشی به معنای نفی کتاب قدیم نیست؛ بلکه به معنای تکمیل آن و به روز سخن گفتن است. همکاران ما نباید این برداشت را فراموش کنند و بگویند آقا ما از کتاب قدیم هم ناراضی بودیم و

آموزش می‌دهید و می‌گویید به شهرستان‌ها و استان‌هایشان برگردند و دبیران دیگر را آموزش دهند، خودتان هم بهتر می‌دانید که همه موارد آن طور که باید به بقیه منتقل نمی‌شود و این انتقال قوی نیست. یعنی شاید اگر تمام معلمان دینی این‌جا جمع می‌شدند و حرف‌های مؤلفان کتاب را گوش می‌کردند، مطلب دستگیرشان می‌شد اما حالا معلمان از یک مجموعه واسطه این مطالب را دریافت می‌کنند و مطلب طور دیگری دستگیر آن‌ها می‌شود. به عبارت دیگر، همکاران با هدف‌های کتاب اول آشنا نیستند.

دوم این که معلمان با کارکردهای کتاب هم به نحو احسن آشنا نیستند. من از نزدیک خودم با تعدادی از دانش‌آموزان گفت‌وگو کردم. درباره درس ۴ یا ۵ کتاب به نام «مناجات»، یکی از دانش‌آموزان و دبیران با ناراحتی می‌گفتند: آقا حالا این درس را ما

حالا یک کتاب خوب می خواهیم.

دکتر اعتصامی: بله در حالی که ما در تمام دوره های آموزشی بر این نکته تأکید داشتیم که این تقابل هیچ وقت نباید پیش بیاید. حجة الاسلام دهدست: یکی از رابط هایی هم که برایشان دوره گذاشتید، من بودم. هر جا می رفتم، می گفتم آقا فکر نکنید ما مخالف کتاب قدیم بودیم. درست است که شیوه آن کمی فلسفی بود و حالا ما در کتاب جدید کمی بعد اخلاقی و ادبی آن را تقویت کرده ایم، اما این دو کتاب رابطه تکاملی دارند و معنای وجود آنها تقابل نیست. ما ابتدا باید این نکته را برای همکاران خودمان جا بیندازیم.

باز مثال دیگری که شاید خیلی رسا نباشد، ولی مطلب را قریب به ذهن می کند. معمولاً وقتی در خانواده، کودک جدیدی به دنیا می آید، فرزند قبلی فکر می کند که تمام محبت ها به سوی کودک جدید جاری شده است. در این جا روان شناسان می گویند، کاری کنید که در تمام محبت هایی که به بچه جدید می شود، او هم شریک باشد. به او کم محلی و بی محلی نکنند. اگر هدیه ای می آورند، دوتا باشد. یکی هم به فرزند بزرگ تر بدهید و بگویید، تو هنوز اصل کاری هستی و باید از این بچه کوچک تر نگهداری کنی.

پس نباید به کتاب قبل بی مهری شود. گرچه حرف جدیدی در کتاب جدید نیامده و هنوز همان سرفصل ها در قالب های جدیدی در حال تدریس است. بحث توحید و دوستیابی تقریباً

همان است و تفاوت (چندانایی) از نظر سرفصل ها وجود ندارد. البته درباره این که چه حرف جدیدی در این کتاب هست، من پنج نکته دارم که بعداً خدمت همکاران عزیز عرض خواهم کرد.

خانم تهرانی:

پیروی همین

صحبت ها، واقعیت این است که مدرسان انتخاب شده سال قبل، بر مطلب تسلط کافی نداشتند. همه می گفتند

که سریع و جسته و گریخته با مسائل آشنا شده ایم و خودمان هم نمی دانیم که چه بگویم. همین باعث شد که بعضی مدرسان کنار رفتند و از بعضی در چندین منطقه استفاده شد.

مشکل دیگر این بود که کتاب همزمان با برگزاری دوره دست دبیر ما رسید و این خودش خیلی مشکل به

وجود آورد. همان وقت که کتاب جدید به دست

دانش آموزان رسید، کتاب راهنمای معلم را هم دبیران دریافت کردند؛ دبیرانی که تازه می خواستند دوره ببینند و بیش تر آن ها فرصت رفتن به کلاس را نداشتند. به علاوه، بسیاری از دبیران باتجربه و با سابقه با تدبیرهایی، از تدریس کلاس اول شانه خالی کردند و کنار رفتند و راه را برای تازه کارها و کسانی که اغلب برای کتاب قبلی هم جا نیفتاده بودند، باز گذاشتند. در نتیجه، دبیرانی که مطالعه کم داشتند، کلاس ها را پر کردند و به این ترتیب، به کتاب جدید ظلم شد و حق مطالب ادا نشد. اما مسلم است، تحولی که سال ها بحشش بود، ولی کسی در این وادی قدم نمی گذاشت، عاقبت انجام گرفت و جای تشکر دارد که گروهی آمدند و این مسؤلیت را قبول کردند که تغییر و تحولی

در این کتاب ها انجام دهند و شیوه را تغییر دهند. برای دانش آموز، شیوه کتاب جدید، شیوه ای پسندیده است. دانش آموزان سال دوم که من امسال با آن ها سروکار دارم و آن هایی که سال گذشته کتاب جدید را خواندند، رضایت خود را از آن اعلام کرده اند و البته نه تنها من، بلکه تمام دبیران تا آن جا که به ما منتقل کرده اند، امسال مشکلشان تفاوت روش کتاب جدید دین و زندگی (۱) با کتاب قدیم است و تا سه سال این مشکل ادامه دارد، چون بعضی مطالب در کتاب های دوم و سوم وجود دارند که مقدمه آن ها در کتاب سال اول آمده بود و



حالا برای تدریس ما ناچاریم، مطالب کتاب اول را که دانش آموزان خوانده‌اند، تدریس کنیم تا کتاب‌های قدیم را بتوانیم توضیح کامل بدهیم. بچه‌ها به کتاب قدیم سخت اعتراض می‌کنند و می‌گویند که چرا این کتاب با این

حجم استدلال را به ما درس می‌دهید. این نشان می‌دهد که کتاب سال اول توانسته است، نیاز بچه‌ها را جواب بگوید و مطابق با ذوق آنان است. در عین حال، دانش آموزان معتقد هستند که این کتاب پیچیدگی ندارد و ساده است. البته این حرف برای ما هم جاف‌افاده است که نیازی نبود، کتاب اول تا این حد استدلالی باشد.

نکته دیگر این که باید بتوانیم یک پشتوانه قوی برای آموزش ضمن خدمت دبیران و همکاران داشته باشیم و مثلاً سلسله مقالات خوب توصیفی و تشریحی در مجلات چاپ کنیم و شیوه مناسب را برای معلمان شرح دهیم تا مطالعاتشان بیش تر شود و بتوانند، این کتاب را برای بچه‌ها قوی تر تدریس کنند. به خصوص در مورد دبیران برادر ما که به خاطر مشکلاتشان امکان شرکت در کلاس ضمن خدمت نیست، این روش مناسب است.

دکتر اعتصامی: در اجرای آزمایشی این کتاب معلمان گله داشتند، زمان تدریس آن خیلی کم است. یعنی کتاب قبلی ۱۸ درس داشت که دبیران با شیوه فعال تدریس که ما به آن‌ها می‌گفتیم و انجام می‌دادند، زمان کم می‌آوردند و یکی دو درس باقی می‌ماند. حالا چگونه می‌توانند ظرف یک ترم کتاب ۹ درسی جدید را در یک ماه و نیم تدریس کنند؟ مسلم است که وقتی معلم با روش تدریس فعال و رویکرد آن آشنا نیست و اول سال متوجه می‌شود که کتاب عوض شده است و با کتاب جدیدی روبه‌رو است، نمی‌داند با این کتاب چه کار کند.

خانم تهرانی: خیلی از دبیران مطلب را به دانش آموزان داده‌اند

که بروند بخوانند. در نهایت هم چند سؤال از آن‌ها می‌پرسند و می‌روند سر درس بعدی. دبیر ما، نه تسلط کافی دارد و نه وقت مطالعه و سر کلاس ضمن خدمت رفتن. زمانی این کتاب ارزشمند خواهد بود، که ما دبیر خودمان را با قدرت و بنیه علمی به سر کلاس بفرستیم. این کار سال گذشته انجام نشد. نمی‌دانم آیا شما آماری از دبیران دوره دیده سال گذشته دارید؟

دکتر اعتصامی: فکر می‌کنم که حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد آن‌ها دوره دیده باشند.

خانم تهرانی: معذرت می‌خواهم، ولی فکر می‌کنم بیش از ۹۰ درصد آقایان دوره ندیده‌اند. یعنی اغلب خانم‌ها در این دوره‌ها شرکت کردند، ولی آقایان متأسفانه شرکت نکردند.

دکتر اعتصامی: به هرحال این مشکل را ما در مدرسه‌های پسرانه داریم.

خانم تهرانی: مشکل دیگر ما در آموزش و پرورش این است که برای تألیف کتاب جدید، یک گروه مطالب را جمع‌آوری و تألیف می‌کنند، گروه دیگری طرح آزمایشی را انجام می‌دهند و یک گروه هم سایر کارها را انجام می‌دهند. در حالی که اگر این گروه‌ها با هم دستانشان را یکی کنند، نتیجه بهتر و کامل تر خواهد شد. من معتقدم، آموزش ضمن خدمت این کتاب باید جدی گرفته شود و از جانب خود شما و بعد مناطق و گروه دینی مناطق پیگیری شود تا همان دلسوزی که شما در نوشتن مطالب داشتید، تا آخر ادامه پیدا کند.

نکته دیگر این که اگر ما معلم خوب نداشته باشیم، کتاب خوب به چه دردی می‌خورد؟ هیچ تأثیری در دانش آموز نخواهد داشت. پس اول معلم خوب تربیت کنیم بعد تأثیر کتاب را انتظار داشته باشیم. زمانی که من می‌خواستم کتاب دین و زندگی (۲) را به طور آزمایشی در یک کلاس تدریس کنم، بچه‌های کلاس دیگرم تقاضا کردند که این کتاب برای آن‌ها تدریس شود. افسوس می‌خورند که چرا این کتاب امسال برای آن‌ها تدریس نمی‌شود. استقبال بچه‌ها باعث شد که تدریس آزمایشی را برای هر دو کلاس انجام دهم. این احساسی است که بچه‌ها دارند. متوجه شدم که این کتاب توانسته است بچه‌ها را جلب کند و ان شاء الله این دوره‌های ضمن خدمت را با قوتی خاص ادامه بدهیم و این مشکل را برای سال‌های آینده و سال‌های بعد حل کنیم. ما هنوز دوره آموزشی دین و زندگی (۱) را باید در مناطق آن قدر اجرا کنیم که دیگر معلم دوره ندیده نداشته باشیم. متأسفانه در مناطق این مطلب کنار گذاشته شده است.

دکتر اعتصامی: البته ما پیش بینی کرده‌ایم که این دوره‌ها در سال‌های آینده هم برگزار شوند.

